

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.13.7

The semantic field of the words "Za'am ", "Meryat" and "Rayb" in the Holy Quran

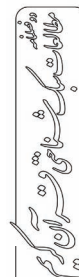
(Received: 2023-01-21 Accepted: 2023-06-25)

Aliakbar Noresideh¹, Seyad Reza Mirahmadi², Abolfazl Torabi³

Abstract

One of the semantic methods is the Izutsu theory, which is used in the field of Quranic vocabulary. To extract the meaning of words, Izutsu pays attention to semantic development by looking at the meaning of words in Jahili poetry and identifies focal, key, and secondary words. Then he identifies the meaning of the words with seven methods. (contextual definition, replacement of words, opposite words, semantic field, negative form of words, synonyms of expressions, and usage in non-religious context) This research, after identifying the type of vocabulary, has analyzed the effect of each word in the semantic field with a descriptive-analytical method. Then, the semantics of the words Za'am “, “Meryat” and “Rayb” have been done using the implementable parts of Izutsu’s theory. Through this research, it was determined that the words Za'am “, “Meryat” and “Rayb” were used in Jahili poetry, but in Quranic usage, they have the basic meaning of “false belief”, “stubborn doubt” and “obstinate doubt” respectively

Keywords: Holy Quran, Semantic, Semantic field, Izutsu



سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

1) Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran. (The Corresponding Author) Email: noresideh@semnan.ac.ir

2) Associate Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran. Email: r.mirahmadi@semnan.ac.ir

3) Senior expert in Arabic translation, Semnan University, Semnan, Iran. Email: Torabi.abolfazl@semnan.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۳۶-۱۵۵

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.13.7

میدان معنائشناسی واژه‌های «زعم، مریه و ریب» در قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱-۱۱-۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۴-۰۴)

علی اکبر نورسیده^۱، سیدرضا میراحمدی^۲، ابوالفضل ترابی^۳

چکیده

یکی از روش‌های معنائشناسی، نظریه ایزوتسو است که در حوزه واژگان قرآنی کاربرد دارد. ایزوتسو برای استخراج معنای واژگان، با نگاهی به معنای واژه در شعر جاهلی به تطوّر معنایی توجه نموده و واژگان کانونی، کلیدی و فرعی را مشخص می‌نماید. سپس با ترکیبی از هفت روش خود، معنای واژگان را مشخص می‌نماید. این پژوهش، پس از مشخص نمودن نوع واژگان، با روش توصیفی-تحلیلی به تأثیر هر واژه در میدان معنایی پرداخته‌است. سپس معنائشناسی واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» با استفاده از بخش‌های قابل پیاده‌سازی نظریه ایزوتسو انجام شده‌است. از خلال این جستار مشخص شد واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» در کاربرد قرآنی به ترتیب دارای معنای اساسی «عقیده باطل»، «شک لجوجانه» و «شک کینه‌توزانه» است.

واژگان کلیدی: عقیده باطل، شک لجوجانه، شک کینه‌توزانه، معنائشناسی، ایزوتسو.

پرتال جامع علوم انسانی

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

(۱) استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان. ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: noresideh@semnan.ac.ir

(۲) دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان. ایران ایمیل: r.mirahmadi@semnan.ac.ir

(۳) کارشناس ارشد مترجمی عربی دانشگاه سمنان، سمنان. ایران ایمیل: Torabi.abolfazl@semnan.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

معناشناسی به علمی اطلاق می‌شود که طی آن با بررسی عناصر ماقبل و مابعد، سیر تطوّر معنا، متن‌گرایی، روابط واژگان و ... معنای کلمه به دست می‌آید. معناشناسی واژگان، در متون متفاوت، قابل پیاده‌سازی است. ولی اهمیت معناشناسی در متون قرآن، به علت وجوه بلاغی، استعاری، کنایی، چندمعنایی، اشتراک معنایی و ... بیش از سایر متون است. شناخت معنای واژگان قرآنی از طریق معناشناسی، به مترجمان و مفسران کمک می‌کند تا پیام متن مبدأ را به گونه‌ای صحیح‌تر در زبان مقصد بازسازی نمایند. توشیهیکو ایزوتسو^۱ از نظریه‌پردازان حوزه معناشناسی است. وی هفت روش ارائه می‌دهد تا ساخت معنایی واژگان در قرآن به درستی حاصل شود. بافت متنی، جانشینی واژه، واژگان متضاد، صورت منفی واژگان، حوزه یا میدان معنایی واژگان، ترادف عبارات و کاربرد واژگان در متون غیردینی، هفت روشی هستند که وی آن‌ها را برای معناشناسی به کار می‌بندد. از طرفی وی ادبیات جاهلی را در معناشناسی واژگان قرآنی مؤثر می‌داند و در روش خود به ماقبل قرآن (ادبیات جاهلی) توجه نموده تا بتواند معنای مناسب واژگان را دریابد. ایزوتسو برای هر واژه یک میدان معنایی قائل شده و به بیان وجوه افتراق و تشابه کلمات موجود در میدان معناشناختی می‌پردازد. یکی از کارکردهای نظریه ایزوتسو دسته‌بندی مفاهیم مشابه در قرآن برای شکل‌گیری جهان‌بینی اسلامی است. در قرآن، واژگانی چون «مریه»، «شک»، «ریب»، «حسبان»، «زعم»، «ظن» و ... دیده می‌شوند که مفهوم مشترکی مانند شک و گمان را در نگاه اول در بر دارند. بنابراین نویسندگان به دنبال جداسازی آحاد معنایی در این واژگان بر اساس نظریه ایزوتسو هستند.

این پژوهش تلاش دارد تا به پاسخ پرسش‌های زیر دست یابد:

- تطوّر معنایی واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» چگونه است؟

- معنای واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» بر اساس نظریه ایزوتسو در قرآن کریم چیست؟
 برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پیش‌گفته، فرضیه‌های زیر مدّ نظر است:

- با توجه به این‌که واژگان مورد بررسی درجاتی از یقین را نشان می‌دهند، به نظر می‌رسد قبل از دوره قرآن (شعر جاهلی) نیز این واژگان کاربردهایی داشته‌اند، لکن نزول قرآن تغییراتی در معنای آن‌ها ایجاد نموده و تطوّر معنا باید در ترجمه قرآن مدّ نظر قرار گیرد.

- در نگاه اول هر سه واژه دارای ترجمه گمان یا شک هستند. اما به نظر می‌رسد هر واژه درجه‌ای از مفاهیم معرفتی است و باید با دنباله توصیفی همراه باشد.

1) Toshihiko Izutsu, 1993

۱.۱. پیشینه تحقیق

بررسی در پژوهش‌های گذشته پیرامون موضوع، پیشینه‌های زیر را نشان می‌دهد:

- ایزوتسو، خود با نگارش دو کتاب «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید»، نظراتش را در معناشناسی برخی واژگان قرآنی ارائه نموده‌است. وی چندین مرحله در دو کتاب خود به این نتیجه رسیده که کانونی‌ترین واژه در قرآن، واژه «الله» است. ذکر این نکته لازم است که برخی از روش‌های هفت‌گانه ایزوتسو دارای همپوشانی است.

- رگعی (۱۳۹۶هـ.ش) در رساله خود با عنوان «درجات معرفت در قرآن با روش معناشناسی شناختی» به قلمروها و کاربردهای «ریب»، «مریه» و «زعم» در قرآن پرداخته‌است. وی به این نتیجه رسیده که در درجات معرفت، مفاهیم روانشناختی در معنای مرکزی قرار نمی‌گیرند. تنها اطمینان، در برخی استعمالات خود، از مؤلفه‌های معنایی روان‌شناختی برخوردار است که آن نیز در گروهی از آیات دارای مبدأ معرفت‌شناختی است.

- رگعی و نصرتی کتابی با عنوان «میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی» نگاشته و به کلیات معناشناسی پرداخته و روش ایزوتسو را بررسی نموده‌اند. نویسندگان در بخش دیگری از کتاب، به گردآوری مقالاتی حول معناشناسی نمونه‌های کاربردی «فکر»، «کتاب»، «جهل» و «تعلیم» پرداخته‌اند.

- نورسیده و همکاران در سه مقاله به صورت جداگانه به معناشناسی واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» پرداخته‌اند. به دلیل بررسی تک‌واژه‌ای در آن مقاله‌ها، مقایسه‌ای از دیدگاه معناشناسی بین این سه واژه انجام نشده‌است.

- عطاءاله و موسوی در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی ریب در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام» در مجله تفسیر اهل‌بیت، به این نتیجه رسیده‌اند که ریب حالت روانی مربوط به عرصه معارف قلبی و حوزه روانشناسی است، نه حوزه معرفت‌شناسی. در حالی که شک، مفهومی عام دارد و شامل هر دو حوزه می‌شود.

- در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی مفهوم شک در قرآن کریم» از سلمان‌نژاد و اسمعیلی‌زاده در دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، از طریق همینیشی «شک» با «ریب»، این نتیجه تحصیل شده که بین «شک» و «ریب» رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد و «شک» اعم از «ریب» است.

- «نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن» عنوان مقاله‌ای است از محمّدکاظم شاکر (مجله پژوهش دینی) و به این نتیجه رسیده که فردی به یقین می‌رسد که قبلاً دچار شک بوده‌باشد، اما شکی که هم‌مرز کفر نباشد. از طرف دیگر شکی را می‌توان هم‌مرز کفر دانست که از مصادیق «ریب»، «مریه»، یا «جهل تقصیری» باشد، نه صرف تردید ذهنی یا روانی در مورد گزاره‌های دینی.

پژوهش‌های دیگری در حوزه پایان‌نامه و مقاله با تمرکز بر نظریه ایزوتسو برای معناشناسی برخی از واژگان قرآنی انجام شده که هر یک نتایج متفاوتی را به همراه داشته‌است. اما پژوهشی در بررسی واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب» با تکیه بر نظریه ایزوتسو و ارزیابی معادل‌های مکارم در ترجمه قرآن با میدان معناشناختی این واژگان انجام نشده و از این رو، در نوع خود بدیع است.

۲. مباحث نظری تحقیق

۲.۱. معناشناسی و دیدگاه ایزوتسو

برای معناشناسی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده‌است. معناشناسی، متفاوت از تفسیر و ترجمه است. می‌توان عنوان نمود معناشناسی سطحی بین تفسیر و ترجمه است. «معناشناسی مطالعه علمی معنا است. منظور از روش علمی آن است که ابتدا واقعیات و پدیده‌های عینی و محسوس زبانی گردآوری شده، طبقه‌بندی و فهرست‌بندی شوند. سپس از روی این فهرست‌ها، نتیجه‌گیری به عمل آید. سپس نتایج و فرضیات به دست آمده به محک آزمایش گذاشته شود تا در صورت درست یا غلط بودن به مثابه یک نظریه پذیرفته یا مردود شناخته شود. معمولاً نظریه‌ای قابل پذیرش است که جامع، مانع، ساده، صریح، مختصر و مفید باشد. به عبارت دیگر مقصود از مطالعه علمی، توصیف پدیده‌ها در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری و با صراحتی است که بتوان صحت و سقم آن را محک زد.» (صفوی، ۱۳۷۷: ۲۷)

«خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید»، کتاب‌هایی هستند که ایزوتسو در آن‌ها از زبان‌شناسی، معناشناسی و روابط معنایی میان کلمات بهره گرفته و انواع کلمات در یک میدان معنایی (کانونی، کلیدی و فرعی) و تبیین معنای اساسی و معنای نسبی را ارائه نموده است.

بر اساس نظر ایزوتسو میدان‌های معنایی هر متن، سه دسته واژگان را دربردارد: ۱- کلماتی مانند «الله» و «ایمان» که با کلمات بسیار دیگری در ارتباط هستند. ۲- کلمات کلیدی کلماتی هستند که بسامد فراوانی دارند، اما محوریت کلمات کانونی را نداشته و در رتبه دوم قرار دارند. ۳- دسته‌ای از کلمات هم حضور کم‌رنگی در میدان معنایی داشته و از نظر کیفیت کاملاً در حاشیه بوده و فقط به افاده معنای سایر واژگان کمک می‌کنند که ایزوتسو آن‌ها را کلمه فرعی می‌داند.^۱

ایزوتسو برای معناشناسی واژگان قرآن ۷ روش را به این شرح ارائه می‌نماید: ۱- تعریف بافتی یا تعریف متنی ۲- جانمایی واژگان در بافت‌های مشابه از لحاظ ساختمان صوری ۳- واژگان متضاد ۴- صورت منفی واژگان ۵- بهره‌گیری از حوزه یا میدان معنایی واژگان

(۱) برای مطالعه بیشتر ر.ک به صдат/۱۳۹۵

۶- کشف یک رابطه معنایی در میان دو واژه از طریق موازنه ساختمان دستوری یا ترادف عبارات ۷- کاربرد واژگان در بافت‌های غیردینی^۱

۳. معنائشناسی واژگان «زعم»، «مریه» و «ریب»

با توجه به آنچه در فصل قبل در خصوص مبانی نظری بیان شد، در این بخش به معنائشناسی سه واژه «زعم»، «مریه» و «ریب» به همراه مشتق‌های آنان پرداخته می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که میزان اشتقاق‌پذیری، حوزه کاربرد و بسامد تکرار این سه واژه در قرآن متفاوت است. بنابراین میزان بهره‌گیری از روش ایزوتسو برای معنائشناسی هر یک از واژگان نیز متفاوت خواهد بود. «زعم» در قرآن بیشتر در حالت فعل ماضی به کار رفته است. واژه «مریه» نیز بیشتر در حالت نهی به کار رفته که از جنس حال است. «ریب» هم برای پدیده‌هایی به کار رفته که در حال حاضر امکان نوعی شک در آن‌ها وجود دارد، اما در آینده حقیقت آن اثبات خواهد شد. به همین دلیل ابتدا واژه «زعم»، سپس واژه «مریه» و آن‌گاه واژه «ریب» بررسی شده است.

۱. معنائشناسی واژه «زعم»

ریشه «زعم»، هفده بار در قرآن کریم در حالت‌های مختلف اسم و فعل به کار رفته است. با توجه به این که این واژه از مفاهیم معرفت‌شناختی بوده و نوعی از شک و گمان را بیان می‌کند، باید در معنائشناسی معادلی درست برای آن به دست آورد تا علوم دیگر مانند ترجمه قرآن نیز از آن بهره‌مند شوند.

۱.۱. ۱. «زعم» در لغت و اصطلاح

برای «زعم»، معادل‌هایی چون شک در گفتار و گفتار دروغ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶۶/۱)، اعتقاد و ظن (مختار عمر، ۱۴۲۹: ۱۶۸۵/۱) و کذب (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۹۴۲/۵) و (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰۳/۳) آورده‌اند. برخی هم معتقدند زعم ممکن است حقیقت یا باطل باشد. (أزهری، ۱۴۲۱: ۹۳/۲)

آنچه در کتاب‌های فرهنگ لغت از سوی پیشینیان و معاصرین به صورت مشترک برای «زعم» دیده می‌شود، وجود عقیده یا شک دارای مؤلفه منفی کذب است.

۳. ۱. ۲. «زعم» در قرآن

در درک معنای نسبی باید بافت آیه مد نظر قرار گیرد. اگر صرفاً به معنای معجمی رجوع نماییم، بر اساس دیدگاه ایزوتسو، ساده‌ترین و متداول‌ترین اما غیرقابل اعتمادترین روش را گزیده‌ایم. (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۴۷)

(۱) برای مطالعه بیشتر رک به ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۸۳-۷۳

با توجه به پیشینه عنوان شده، رکعی معنایی هم چون «عدم مطابقت با واقع و باور» را برای واژه «زعم» برشمرده است. (رکعی، ۱۳۹۶: ۱۶۴)

از آنجا که حقیقت، در مقابل بطلان قرار دارد (الهنائی، ۱۹۸۶: ۳۷۵)، بنابراین سخنی که حقیقت ندارد، همان سخن باطل است. پس باید «زعم» را دارای ویژگی عدم تطابق با حق یا حقیقت دانست. بنابراین نظر رکعی درباره «زعم» یعنی عدم تطابق با واقع، صحیح به نظر نمی‌رسد.

برای معناشناسی واژه باید مروری در روش‌های ایزوتسو انجام داد تا روش‌های قابل پیاده‌سازی در خصوص ریشه «زعم» یافته شود.

۳. ۱. ۲. ۱. ترادف عبارات

یکی از روش‌هایی که ایزوتسو برای معناشناسی از آن کمک می‌گیرد، عبارات مترادف است. بنابراین باید به دنبال عبارتی در حوزه پژوهش باشیم که به صورت مترادف در متن قرآن تکرار شده است

یکی از آیاتی که حاوی ریشه «زعم» است، آیه ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ ...﴾ (نساء، ۶۰) است. آیه با عبارت «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ» شروع شده که دوازده بار در قرآن دیده می‌شود.^۱ این عبارات همگی با «أ» استفهامی شروع شده‌اند. کاربرد استفهام در برخی از آیات قرآن برای آن است که انسان‌ها برای پرهیز از اعمال زشت و روی آوردن به خداپرستی، به عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند و به خاطر نافرمانی به سرنوشت بدی دچار شدند، توجه نمایند. در واقع هدف از استفهام در این نوع آیات، عبرت گرفتن است. (خورسندی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۷)

با توجه به فضای آیه، سؤال مطرح شده، برای عبرت‌آموزی مخاطب بیان شده و به نوعی در آحاد معنایی «زعم»، مؤلفه‌هایی هم چون سرکوفت، منت، توییح و ... وجود دارد. به عبارت دیگر خالق قرآن که از این ریشه استفاده کرده، دانایی برتری نسبت به افراد مد نظر آیات دارد و آگاهی وی به حدی است که کار آنان را مذموم می‌داند.

از دیگر عبارات مترادف در حوزه مورد بررسی، دو آیه زیر است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَلَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (جمعه ۶ و ۷)

﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۹۴ و ۹۵)

در هر دو دسته آیات بالا، یهودیان مخاطب قرآن هستند. هر دو دسته، دارای ساختار

(۱) بقره ۲۴۳، آل عمران ۲۳، نساء ۴۴، نساء ۴۹، نساء ۵۱، نساء ۶۰، نساء ۷۷، ابراهیم ۲۸، غافر ۶۹، مجادله ۸، مجادله ۱۴ و حشر ۱۱

جمله شرطی است و در صورت برقرار بودن مقدم، تالی آن، آروزی مرگ است. سپس شرط صداقت مطرح می‌شود و عبارت «فتمنوا الموت» مجدداً به عنوان جواب شرط، در تقدیر است. در ادامه قرآن به صراحت بیان می‌کند که یهودیان آرزوی مرگ نخواهند نمود، بنابراین در گفتار خود صداقت ندارند. در نتیجه، مقدم اولیه برقرار نخواهد بود. یعنی اعتقاد بر این که فقط آن‌ها دوستان خدا هستند، باطل است.

۳. ۱. ۲. ۲. هم‌نشینی دَعَوَ و زَعَمَ

قرآن در برخورد با مخاطبان جاهل به حدی مطمئن است که در روز قیامت آن‌ها را به چالش می‌کشد. در واقع در رویارویی روز قیامت، یک بار دیگر قرآن به آنان فرصت فراخواندن معبودهای باطل و یاری جستن از آنان را می‌دهد. اما خدایان آن‌ها توان برطرف کردن بلا را نداشته و هیچ تغییری نمی‌توانند ایجاد کنند. یعنی عقیده آن‌ها عقیده‌ای غلط بوده است.

﴿قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾ (إسراء/۵۶)
 ﴿وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا﴾
 (کهف/۵۲)

﴿قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شَرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ﴾ (سبأ/۲۲)

۳. ۱. ۲. ۳. هم‌نشینی با «قول»، «أین» و «کنتم»

استفهام انواع مختلفی دارد. یک دسته از استفهام‌های قرآنی، انواعی هستند که در روز قیامت مطرح می‌شوند. این سؤال‌ها در فضای گفتگو دو طرفه مطرح شده و هدف سرزنشی دارند. به آیات زیر توجه کنید:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ (انعام/۲۲)
 ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ (قصص/۶۲ و ۷۴)

در عبارات بالا، افعالی از ریشه «قول» با کلمه‌های «أین» و «کنتم» هم‌نشین شده‌اند. این هم‌نشینی نشان می‌دهد سرزنش روز قیامت در مقابل یک عمل اشتباه و صواب است که گذشته و زندگی دنیوی انجام شده است. یعنی ریشه «زعم» که در آیات بالا آمده، دارای مؤلفه‌هایی چون خطا و اشتباه و بطلان است.

۳. ۱. ۲. ۴. جان‌نشینی واژگان

در برخی از عبارات قرآنی از گفتگویی در روز قیامت صحبت شده که در بخش قبل به طور ویژه به آیات حاوی ریشه «زعم» آن اشاره شد. اما آیات دیگری با همین نوع گفتگو

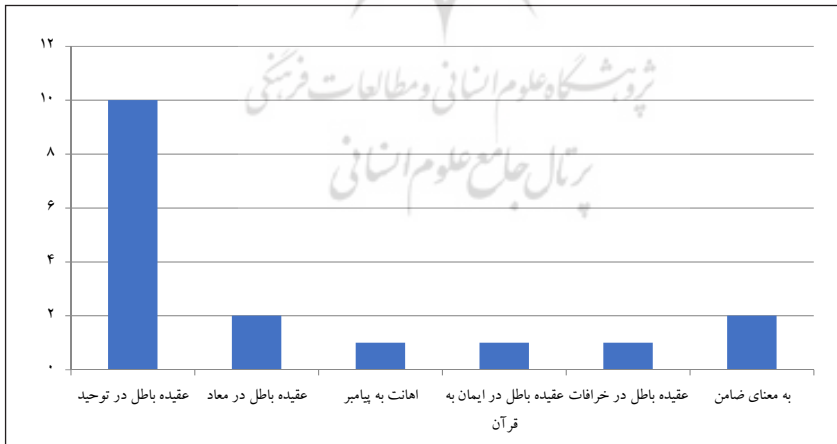
در قرآن دیده می‌شوند که در بافت آن‌ها واژه‌هایی با ریشه «زعم» با واژگان دیگر جانشین شده‌اند. بر اساس نظریه ایزوتسو زمانی می‌توانیم درباره این جانشینی‌ها صحبت کنیم که بافت آیات، مشابه باشد.

نگاه به آیات زیر نشان می‌دهد در روز قیامت سؤالی مطرح می‌شود که جواب آن موجودیتی است که یار و یاور مخاطب باشد. همان یآوری که در دنیا معبود بوده و به جای خداوند به اشتباه پرستش می‌شده است.

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ (انعام/۲۲)
 ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ (قصص/۶۲ و ۷۴)
 ﴿ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (نحل/۲۷)
 ﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ (شعراء/۹۲)
 ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ (غافر/۷۳)

این آیات نشان می‌دهد «زعم» با ریشه‌هایی مانند «شق»، «عبد» و «شرک» جانشین شده است. یعنی «زعم» در قرآن به مفهوم عقیده‌ای است که دارای مؤلفه‌های معنایی اختلاف در عبودیت، عبودیت اشتباه و شرک است.

جمع‌بندی آنچه بیان شد گویای آن است که «زعم» به معنای عقیده باطل در قرآن با دسته‌بندی نمودار زیر به کاررفته است.



نمودار ۱: حوزه‌های کاربرد «زعم» در قرآن

۲.۳. معنائشناسی واژه «مریه»

یکی دیگر از واژگانی که در قرآن، دارای ترجمه مشترک با شک دیده می‌شود، واژه «مریه» است. در خصوص معنائشناسی این واژه نیز به کاربرد در قرآن پرداخته و روابط معنایی موجود در میدان معنایی آن را بررسی خواهیم کرد.

۳.۲.۱. «مری» در لغت و اصطلاح

در لغت، «مَرِيٌّ» را به معنای شتر پُرشیر و «مَرِيٌّ» را به لمسِ پستان شتر (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۴/۸) دانسته‌اند. «امتراء» و «تماری» را نیز به معنای شک دانسته‌اند. (همان) برخی واژه «أَفْتِمَارُونُهُ» را در قرآن به «أَفْتِمَارُونُهُ» یا «أَتَدْفَعُونَهُ» و «مراء» را به «افتراء» و «شک» معنا نموده‌اند. (آزهری، ۱۴۲۱: ۲۰۳/۱۵) برخی معتقدند «مری» بر دو چیز دلالت دارد. ۱- لمس چیزی ۲- صلابت در چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۵)

۳.۲.۲. «مری» در قرآن

به گواه کتاب‌های لغت حدود ۱۰۰ کلمه با ریشه «مری» در زبان عربی یافت می‌شود که بخشی از آن‌ها در قرآن ذکر شده‌است. در قرآن واژه «مریه» و مشتق‌های آن ۲۰ بار ذکر شده که در نوزده آیه از شانزده سوره توزیع شده‌است. این ۲۰ واژه مربوط به صیغه‌های مختلف «امتری» (به همراه اسم فاعل آن: نه بار)، مصدر «مریه» (۵ بار)، صیغه‌های مختلف از فعل «ماری» و مصدر «مراء» (۴ بار) و صیغه‌های مختلف «تماری» (۲ بار) است. در ترجمه‌های «مریه» و مشتق‌های آن معادلی هم‌چون «شک» (مکارم، ۱۳۹۵: ۳۳۸) آورده‌اند. ربط میان «شک» و «تردید» با «مری» آن است که در شیر دوشیدن دست از بالا به طرف پایین کشیده می‌شود و دوباره برمی‌گردد و این کار چند بار تکرار می‌شود و این امر در تردید هم وجود دارد. (حاجی‌امیری، ۱۳۸۶: ۳۵) از این استدلال، وجود مؤلفه «شک» و «تردید» در «مریه» به دست می‌آید. اما هر نوع «شک» و «تردید» معادل «مریه» نیست.

پس از نزول قرآن کریم و تأثیری که شعر جاهلی در معنای «مریه» وارد نمود، در فرهنگ‌های لغت جدید، مؤلفه لجاجت از آحاد معنایی «مری» جدا شده و معادل‌هایی هم‌چون «شک» (مختار عمر، ۱۴۲۹: ۲۰۹۱) و «مردد بودن» (قرشی‌بنایی، ۱۳۷۱: ۲۵۱/۶) برای آن به جای مانده‌است. برای باب‌های ثلاثی مزید آن، مانند «ماری» نیز معادل‌هایی مانند «جادل» و «خاصم» (صینی، ۱۴۱۴: ۲۹) ذکر شده‌است. در این دو معنی نیز خیلی افراط شده و میزان لجاجت، بسیار زیاد دخیل شده‌است.

مصطفوی معتقد است «مری» در کلمات قرآن، ممارست در چیزی است تا انسان برای خودش از آن، چیزی مادی یا معنوی به دست آورد. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸۸/۱۱) بنابراین ممکن است ممارست، در خصوص موارد مثبت هم انجام شود، ولی بر اساس آنچه ما به

دست آوردیم، «مری» در قرآن تنها به معنی منفی آن به کار رفته است.

با کنار هم قراردادن نظر ایزوتسو نسبت به معنای اساسی و معنای نسبی، معنای اساسی «مریه» در قرآن، شک لجوجانه است و معنای نسبی آن متفاوت است. برای رسیدن به معنای نسبی، هر متنی باید به صورت جداگانه بررسی شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳. ۲. ۱. شک لجوجانه در توحید

بیشترین حوزه برای کاربرد واژه «مریه»، حوزه توحیدی است. (۱۰ بار) در واقع یکی از مؤلفه‌های معنایی «مریه» را می‌توان شک لجوجانه در یگانگی پروردگار در نظر گرفت. «در نظام و دستگاه قرآنی حتی یک میدان معناشناختی واحد نیست که به صورت مستقیم با تصوّر مرکزی «الله» مرتبط و در زیر فرمان آن نبوده باشد.» (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۴۷) از طرفی درجه اهمیت تصوّر و مفهوم انسان در قرآن به اندازه‌ای است که دوّمین قطب اصلی را تشکیل می‌دهد و روبروی قطب اصلی یعنی خدا می‌ایستد (همان: ۹۲) و اغلب کلمات کلیدی قرآن مربوط به روابط میان خدا و انسان است. (همان: ۱۰۱) این بیان، همان توحید از دیدگاه ایزوتسو با مبانی زبان‌شناسی است. قرآن قبل از آیه ﴿فَلَا تَكُ فِي مَرِيهٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ﴾ (هود/۱۰۹)؛ «پس تردیدی در باطل بودن معبودهایی که آن‌ها می‌پرستند، به خود راه مده. آن‌ها همان‌گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلاً می‌پرستیدند، و ما نصیبتان را بی‌کم و کاست به آنان خواهیم داد.» عبارت‌های ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا...﴾ (هود/۱۰۶) و ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا...﴾ (هود/۱۰۸) را ذکر می‌نماید. با این آیه، خدا پیامبر را از شک در باطل بودن معبود بدبختان، بر حذر می‌دارد. بنابراین در جهان‌بینی قرآنی، نگاه به انسان‌ها از روزنه «مریه»، بر اساس معبود، آن‌ها را به دو دسته بدبخت و سعادت‌مند تقسیم می‌کند.

۳. ۲. ۲. شک لجوجانه در معاد

در تعدادی از آیات مورد بررسی که بسامد آن به پنج مورد می‌رسد، قرآن واژه «مریه» را برای اشاره به شک لجوجانه در معاد به کار برده است. این پنج آیه خود به دو دسته اشاره مستقیم و غیرمستقیم (خلقت حضرت عیسی) تقسیم می‌شوند.

لازم است مقدمه‌ای کوتاه برای کمک به بحث پیش‌رو عنوان نماییم. آیه ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره/۲۸)، بیان می‌دارد که انسان‌ها چگونه از هیچ (با واسطه پدر و مادری) خلق شدند و سپس هیچ می‌شوند. بعد از آن دوباره از هیچ، بازآفریده می‌شوند. این دو خلقت انسان، دلیل بر قدرت خداوند در جاری نمودن معاد است. در آیات ﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (آل عمران/۶۰) و ﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾ (مریم/۳۴) به داستان خلقت حضرت

عیسی اشاره شده و اسم فاعل «مُمتَر» از فعل «امتري» ذکر شده است.

۳. ۲. ۲. ۳. شک لجوجانه در حَقَانِیت قرآن

دسته‌ای از آیات قرآن، خود به حَقَانِیت قرآن اشاره می‌نمایند و با این نوع بیان، قدرت خود را به منصفه ظهور می‌گذارد و اعجاز خود را به رخ می‌کشد. خدا نیز به پیامبر دستور داده به هر کس که در حَقَانِیت قرآن شک و تردیدی دارد، بگوید که ده سوره، یک سوره یا حتّی یک آیه مانند آن را بیاورد. نوعی از این رجزخوانی در میدان معنایی واژه «مریه» نیز دیده می‌شود. مشاهده می‌شود چهار بار از این واژه برای شک لجوجانه در حَقَانِیت قرآن استفاده شده است.

﴿فَغَيْرَ اللَّهِ ابْتَغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (أنعام/۱۱۴)؛ «با این حال) آیا غیر خدا را به داوری طلبیم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن بیان شده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آن‌ها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند این کتاب، به حق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابراین هرگز از تردیدکنندگان مباش.»

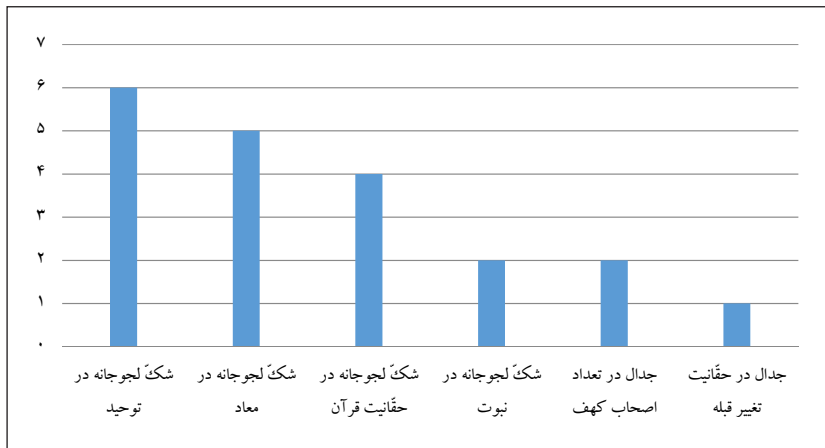
۳. ۲. ۲. ۴. شک لجوجانه در نبوت پیامبران

یکی دیگر از معانی نسبی «مریه»، شک لجوجانه در نبوت پیامبران است. یک آیه خطاب به پیامبر اسلام است که در مورد دریافت کتاب الهی توسط حضرت موسی است. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مَرِيهٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (سجده/۲۳)؛ «و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شک نداشته باش که او آن را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم.»

خطاب دیگر به آنان است که در آن چه پیامبر در شب معراج دید، شک لجوجانه می‌نماید. ﴿أَفْتَمَارُؤُهُ عَلٰی مَا يَرٰی﴾ (نجم/۱۲)؛ «آیا با او درباره آنچه (با چشم خود در معراج) دیده مجادله می‌کنید؟!»

آیه اول با «لا» نهی پیامبر را از شک لجوجانه در نبوت موسی باز می‌دارد. آیه دوم نیز با ذکر «أ» استفهامی در قالب استفهام انکاری، افرادی که به شک لجوجانه در معجزه حضرت محمد (دیدار پروردگار در شب معراج) گرفتارند، را سرزنش می‌کند.

حوزه‌های قرآنی کاربرد واژه «مریه» و مشتق‌های آن در قرآن را می‌توان در نمودار مشاهده نمود.



نمودار ۲: حوزه‌های کاربرد «م‌ری» در قرآن

در دیدگاه ایزوتسو، «قرآن اساساً یک جهان‌بینی خدامرکزی است و هیچ مفهوم عمده‌ای در قرآن، جدا از مفهوم خدا وجود ندارد». (ایزوتسو، ۱۳۹۴: ۳۶) همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد این بیان بر میدان معنایی «م‌ریه» نیز حاکم است و بیشترین بسامد در حوزه توحید است. نکته دیگری که از تبیین نمودار به دست می‌آید، آن است که بین تکرار توحید، معاد و نبوت که اصول دین هستند، ارتباط منطقی ترتیبی وجود دارد.

۳.۳. معناشناسی واژه «ریب»

واژه «ریب» از دیگر واژگانی است که مفهومی از «شکّ» را طبقه‌بندی و بازگو می‌نماید. این واژه و مشتق‌های آن، ۳۶ بار در قرآن تکرار شده‌اند. با توجه به بسامد بیشتر و نوع کاربرد، نسبت به دو واژه قبلی، امکان بیشتری برای بهره‌گیری از نظریه ایزوتسو برای به دست آوردن معنای «ریب» وجود دارد.

۳.۳.۱. «ریب» در لغت و اصطلاح

در کتاب‌های فرهنگ لغت، واژگانی دیده می‌شوند که در رابطه معنایی با شکّ قرار دارند. از جمله این واژگان می‌توان به ریشه‌های «شکک»، «حسب»، «رأب»، «زعم»، «ردد»، «ظن» و ... اشاره نمود. برای بررسی معنای لغوی در معاجم، باید بررسی کنیم که از نظر لغت‌شناسان، کدام یک از این ریشه‌ها با «ریب» رابطه دارند.

التهانوی عنوان می‌نماید «شکّ» چیزی است که در آن دو اعتقاد، ممکن است برابر یا نابرابر باشند، اما یکی از آن دو به درجه ظهوری که انسان عاقل کارهایش را بر اساس آن انجام می‌دهد، نمی‌رسد. از طرفی «ریب» چیزی است که به درجه یقین نمی‌رسد، هر چند که تا حدی ظهور پیدا کند. «شکّ» موجب «ریب» است. به همین خاطر «شکّ مریب» مستعمل

بوده و «ریب مشکک» کاربرد ندارد. «شک» انسان را به «ریب» مبتلا می‌نماید. بنابراین «شک» مبدأ «ریب» است. از طرفی «ریب» به معنای اضطراب و پریشانی نیز آمده‌است. (التهانوی، ۱۹۹۶: ۱۰۳۸/۱)

ابوهلال عسکری «ارتیاب» را «شک» به همراه تهمت می‌داند. هنگامی که در کار کسی «شک» کنی نباید او را متهم کنی و بگویی «إنی مرتاب بفلان» (عسکری، ۱۴۰۰: ۹۲) یعنی «شک» و «ارتیاب» قابل جایگزینی نیستند.

آنچه از جمع‌بندی این بخش به دست می‌آید این است که لغت‌شناسان، «ریب» را نوعی از «شک» می‌دانند.

۳.۳.۲. «ریب» در قرآن

با توجه به آنچه در خصوص معنای اساسی و معنای نسبی در نظریه ایزوتسو بیان شد، معنای اساسی «ریب»، شک و تردید است؛ اما با استفاده از روش ایزوتسو، به دنبال معنای نسبی واژه «ریب» در قرآن هستیم.

۳.۳.۳. میدان معنایی «ریب»

یکی دیگر از روش‌هایی که ایزوتسو برای معناشناسی واژگان قرآنی معرفی می‌نماید، بررسی روابط میان واژگان کلیدی موجود در میدان معنایی است. بررسی نشان می‌دهد در میدان معنایی «ریب» واژگان «الله»، «علم»، «شک»، «ایمان»، «کفر»، «صدق»، «قلب» و «مرض» به عنوان واژه کلیدی دیده می‌شوند.

۳.۳.۳.۱. رابطه «الله» با «ریب»

واژه «الله» تکرار زیادی در میدان معنایی «راب» دارد. در واقع این واژه با ۳۲ بار ورود در آیات حاوی واژه «ریب» و مشتق‌های آن، تنها واژه کانونی میدان معنایی «راب» است. این نتیجه، بخشی از مبانی فکری ایزوتسو راجع به واژه «الله» است. وی معتقد است «الله» عالی‌ترین کلمه کانونی در دستگاه قرآنی است و هیچ کلمه دیگری از لحاظ رتبه و اهمیت از آن برتر نیست. (ایزوتسو، ۱۳۹۶: ۱۱۹)

حال باید رابطه «الله» را با «راب» به دست آورد و از این رابطه در معناشناسی «راب» کمک گرفت.

ورود به دین اسلام به صورت حقیقی، با ایمان به خدا و رسولش آغاز می‌شود. سپس مؤمن نباید دچار «ارتیاب» شود و عدم ابتلاء به «ارتیاب» باید تا جهاد با مال و جان ادامه داشته باشد. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات/۱۵) در این آیه واژه «الله» دو بار وارد شده‌است.

این آیه بازه زمانی عدم ابتلا به «ارتیاب» را بر اساس واژه «الله» به تصویر کشیده است. وجود واژه «الله» در میدان معنایی «ریب» نشان‌دهنده آن است که عدم ابتلاء به «ارتیاب» باید از ایمان به خدا تا پایان زندگی با جهاد در راه خدا تداوم داشته باشد.

جمع‌بندی مطالب موصوف نشان می‌دهد: از آن‌جا که خدا «مرتاب» را گمراه می‌کند و برای دوری انسان‌ها از «ریب» راهکار ارائه می‌دهد، «ریب» و «ارتیاب» دارای مؤلفه معنایی منفی هستند. مؤمنین نیز نباید از ورود به ایمان تا پایان زندگی، «ارتیاب» ورزند. از طرف دیگر کسانی که به «ارتیاب» مبتلا می‌شوند، با مرگشان از «ارتیاب» جدا می‌شوند. همچنین دم زدن از معلول «لا ریب فیه» کار هر کسی نیست.

۳.۳.۲. رابطه «شک» با «ریب»

زبان از واحدهای مختلف در سطوحی مختلف تشکیل شده است. کنار هم آمدن (با فاصله یا بی فاصله) و تولید واحدهای زبانی در سطح بالاتر را همنشینی می‌گویند. به نوع خاص بی فاصله «باهم‌آیی» گفته می‌شود.

ایزو تسو معتقد است برخی از ترکیب‌ها در جاهلیت نقشی نداشته و کسی، آن‌ها را در جاهلیت به خواب هم ندیده است. (۱۳۹۶هـ.ش: ۴۹) وی این‌گونه بیان می‌دارد که معنی هر کلمه تنها با معنی ابتدائی و اساسی آن تمام نمی‌شود. علاوه بر آن یک معنای نسبی نیز دارد و این معنای نسبی همیشه از ترکیباتی حاصل می‌شود که با این کلمه در داخل یک دستگاه صورت می‌گیرد. (۱۳۹۶: ۱۷۷)

«شک»، یکی از واژگانی است که در میدان معنایی «ریب» وارد شده و ترکیب «شک مریب» را تولید کرده است.

«ریب» نمی‌تواند به معنای مطلق «شک» باشد؛ زیرا همین که در آیات قرآن این دو ماده در کنار هم به کار رفته‌اند، قرینه است بر تفاوت مفهومی آن‌ها. (عطاءاله و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۰۸) پس رابطه تساوی یا تطابق بین آن‌ها مردود است.

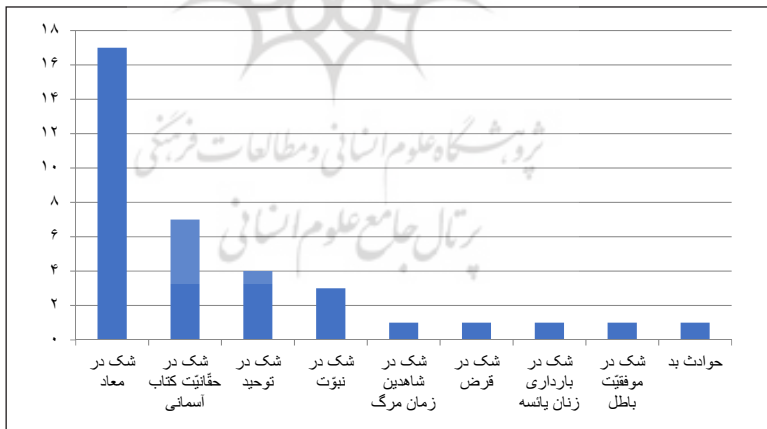
واژه «شک» یک بار در آیه سی و چهار سوره غافر وارد شده و در چند عبارت بعد از آن، واژه «مرتاب» قید شده است. شش بار هم کلمه «شک» به همراه کلمه «مریب» در آیات قرآن ذکر شده و حالتی از باهم‌آیی را تولید کرده است. با توجه به ترادف نسبی معنایی و نظرات مفسران، این بخش نیاز به کنکاش بیشتری دارد.

کلمه شک سه بار با عبارت ﴿لَفِي شَكِّ مَنْهُ مُرِيبٌ﴾ (هود/۱۱۰، فصلت/۴۵ و الشوری/۱۴)، یک بار با عبارت ﴿شَكِّ مُرِيبٌ﴾ (سبأ/۵۴) یک بار به صورت ﴿لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ﴾ (هود/۶۲) و یک بار هم به صورت ﴿لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ﴾ (ابراهیم/۹) به صورت همنشین «ریب» وارد شده است. جار و مجرور «منه»، متعلق به «شک» است

کرباسی، ۱۴۲۲: ۳/۶۹۱) و «مریب» نقش صفت برای «شک» را دارد. پس نوعی از «شک»، تولیدکننده «ریب» است. ضمن این که «مریب» مشتق و از نوع اسم فاعل است. یعنی شک ریب‌انداز یا شک ایجادکننده «ریب». بنابراین «ریب» در نتیجه «شک» به وجود می‌آید.

در آیاتی که «شک» و «ریب» همنشین شده‌اند، عباراتی مانند ﴿...مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ...﴾ (شوری/۱۴)، ﴿...جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ...﴾ (ابراهیم/۹)، ﴿...وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ الْبَيِّنَاتِ...﴾ (غافر/۳۴)، ﴿...وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ...﴾ (هود/۱۱۰) و (فصلت/۴۵)، ﴿...إِنَّ الَّذِينَ أَوْرَثُوا الْكِتَابَ...﴾ (الشوری/۱۴) وارد شده که نشان از ارائه پیام و سخنی حق است تا مخاطب از شک خارج شود، لکن عده‌ای به «ریب» مبتلا می‌شوند. یعنی شک آن‌ها ادامه داشته و از روی غرض است. پس نوعی از «شک» آن‌چنان است که ایجادکننده «ریب» است. این نوع «شک» ریشه در غرض ورزی و تعصب نابجا دارد. همچنین «ریب»، شک جانبدارانه است که بیشتر با دیدگاه منفی در تعارض با اعتقاد مخاطب باشد. واژه «ریب» زمانی به کار می‌رود که گوینده در بیان خود قاطعیت داشته و اعتقاد راسخ به آن دارد، لکن شنونده یا خواننده در آن «شک» دارد.

در شش آیه از هفت آیه‌ای که «شک» و «ریب» با هم همنشین شده‌اند، فضای سخن با ضمایر و افعال جمع است. یعنی «شک» منجر به «ریب» دارای تأثیر و تأثر زیاد است. واژه «ریب» و مشتق‌های آن در قرآن ۳۶ بار وارد شده‌است. نمودار زیر دسته‌بندی موضوعی برای کاربرد آن واژگان را نشان می‌دهد.



نمودار ۳: حوزه‌های کاربرد «ریب» در قرآن

بررسی نمودار نشان می‌دهد که از مجموع سی و شش کاربرد، سی و یک کاربرد در حوزه معرفت‌شناختی و مفاهیم اعتقادی (توحید، نبوت و حقایق قرآن) و پنج کاربرد در حوزه امور دنیوی است. تأثیر این مهم را در ترجمه می‌توان بدین صورت بیان داشت که

«ریب»، ارتباط و کاربرد بیشتری در زمینه‌های معنوی دارد. نکته دیگر این که کاربرد بیشتر «ریب» در مفاهیم اعتقادی و اصول دین، ناقض کاربرد آن در احکام و مسائل اجتماعی (شک در قرض، شک در بارداری زنان یائسه، شک در موفقیت باطل، شک در شاهدین زمان مرگ) نیست.

نتیجه‌گیری

«زعم» گفتاری باطل یا دروغ است و بر این اساس، قید کلمه «باطل» یا «دروغ» در ترجمه تأثیر بسیار داشته و در برخی آیات که ناظر بر صحنه‌های روز قیامت و مشابه آن است، حذف آن کلمه‌ها لطمه زیادی به درک پیام توسط خواننده یا شنونده می‌زند. هر چند تعدادی از مترجمان برای واژه «زعم» از معادل‌هایی همچون تصور، شک، گمان و ... که بازگوکننده میزان اطمینان هستند، استفاده نموده، اما جنس واژه «زعم» از آن نوع واژگان که نشان‌دهنده درصدی از میزان اطمینان از صفر تا صد باشند، نیست و معنای درست آن «عقیده باطل» است. پس معنای اساسی «زعم»، عقیده باطل است.

ریشه «مری» در عصر جاهلی کاربرد داشته و به معنای دوشیدن شتر بوده است. دوشنده شیر، با اصرار در پی به دست آوردن شیر بیشتر است و به نظر می‌رسد اصرار دوشنده باعث شده مؤلفه لجاجت آن به دوره قرآنی منتقل گردد.

واژه «ریب» در قرآن تنها یک بار عبارت «ریب المنون» دیده می‌شود و در ۳۵ مورد دیگر با مفاهیمی از جنس شک همراه است.

تکرار کاربرد ریشه‌های «زعم»، «مری» در توحید بیشتر از معاد و در معاد بیشتر از نبوت است. یعنی ترتیب کاربرد در هر سه میدان (بیشترین کاربرد در حوزه توحید، سپس معاد و بعد از آن نبوت) با ترتیب منطقی اصول دین قابل توجیه است. در خصوص ریشه «ریب» نیز با توجه به این که این واژه در قرآن غالباً برای مفاهیمی که در آینده حقیقت آن روشن می‌شود، به کار رفته، ترتیب منطقی پیش گفته برقرار نیست.

«زعم»، «مریه» و «ریب» هر سه مذموم هستند. با توجه به پژوهش انجام شده به نظر می‌رسد «مریه»، شکی در مقیاس کم و کوچک بوده و تنها پیامبر از آن نهی شده است و برای رسیدن به مقامات عالیه است و ذمت آن به اندازه «ریب» نیست. شک بر دو نوع است. یا انسان دچار شکی می‌شود و هدف، کشف حقیقت است و این شک سهوی بوده، بر اثر تحقیق به دست می‌آید و مذموم نیست. اما شک ثانویه مذموم است. در واقع شک بر اساس منبع صادرکننده به دو نوع عقلی (نوع اول) و قلبی (نوع دوم) تقسیم می‌شود. خطاب در «... فلا تک فی مریه» پیامبر است و این موضوع هیچ منافاتی با عصمت ایشان ندارد. اگر قرآن از عبارت «... فلا تک فی ریب ...» برای ایشان استفاده می‌کرد، آن وقت تناقض با عصمت به وجود می‌آمد. چرا که «ریب» شک از نوع منفی و قلبی است.

«زعم» در قرآن برای آن دسته از اعتقاداتی به کار می‌رود که فاعل آن در گذشته اعتقاد به صحت آن داشته و بعدها از غلط بودن آن پرده‌برداری شده‌است. این واژه بیشتر برای برای سرکوفت زدن و سرزنش عقیده‌های باطل در گذشته است. واژه «مریه» و مشتق‌های آن بیشتر برای زمان حال در قرآن به کار رفته‌است. لکن «ریب» برای گمان در چیزی است که در آینده حقیقت آن روشن خواهدشد.

از سه واژه مورد بررسی، «مریه» و «ریب» در قرآن در باب افتعال به کار رفته‌اند و این موضوع نشان‌دهنده آن است که این دو میدان معنایی قابلیت تأثیرگذاری بیشتری دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۹۵هـ.ش)، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، چاپ اول، قم: مؤسسه آثار آیت اله مکارم شیرازی.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴هـ.ق): «معجم مقاییس اللغة»، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، الطبعه الأولى.
- أزهری، محمدبن أحمد (۱۴۲۱هـ.ق)، «تهذیب اللغة»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعه الأولى.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴هـ.ش)، «مفاهیم اخلاقی دینی قرآن مجید»، بدره‌ای، فریدون، تهران: فرزانه روز، چاپ سوّم.
- _____ (۱۳۹۶هـ.ش)، «خدا و انسان در قرآن»، ترجمه آرام، احمد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم.
- التهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، «کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم»، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، الطبعه الأولى.
- جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۳۷۶هـ.ق)، «الصّحاح»، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعه الأولى.
- خورسندی، محمود و ترحمی، سمیه و خورسندی، علیرضا (۱۳۹۱هـ.ش)، «اسلوب استفهام و اغراض فرعی آن در قرآن کریم»، مطالعات بلاغی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۱۰۲-۸۳.
- حاجی امیری، شهربانو (۱۳۸۶هـ.ش)، «مخاطب‌شناسی آیاتی از سوره یونس»، بیانات، پاییز ۱۳۸۶، ۵۱-۳۳.
- رکعی، محمد (۱۳۹۶هـ.ش)، «درجات معرفت در قرآن با روش معناشناسی شناختی»، سبحانی، محمدتقی و نصرتی، شعبان، پایان‌نامه دکتری، رشته کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث.
- رکعی، محمد و نصرتی، شعبان (۱۳۹۷هـ.ش)، «میدان‌های معنایی در کاریست قرآنی»، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ دوّم.
- سلمان‌نژاد، مرتضی و اسمعیلی‌زاده، عباس (۱۳۹۶هـ.ش)، «بازخوانی مفهوم شکّ در قرآن کریم»، پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۶۰-۳۵.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۴هـ.ش)، «نگاهی نوبه معناشناسی شکّ و یقین در قرآن»، پژوهش دینی، زمستان ۱۳۸۴، ۲۸۴-۲۶۷.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۷هـ.ش)، «درآمدی بر معناشناسی»، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
- صینی، محمود إسماعیل (۱۴۱۴هـ.ق)، «المکثر العربی المعاصر»، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، الطبعه الأولى.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰هـ.ق)، «الفروق فی اللغة»، بیروت: دارالآفاق الجدیده، الطبعه الأولى.
- عطاءاله، محسن و موسوی، سیدرسول (۱۳۹۴هـ.ش)، «مفهوم‌شناسی ریب در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام»، تفسیر اهل بیت، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۱۲۲-۱۰۵.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹هـ.ق)، «کتاب العین»، قم: نشر هجرت، الطبعه الثانيه.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱هـ.ش)، «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
- کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲هـ.ق)، «إعراب القرآن»، بیروت: دار و مکتبه الهلال، الطبعه الأولى.
- مختار عمر، أحمد (۱۴۲۹هـ.ق)، «معجم اللغة العربیه المعاصره»، قاهره: عالم الکتب، الطبعه الأولى.
- نورسیده، علی اکبر و ترابی، ابوالفضل، (۱۳۹۹هـ.ش)، «معناشناسی واژه مریه و مشتقات آن در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو با نقدی بر ترجمه مکارم شیرازی»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، بهار ۱۳۹۹، ۱۰۳-۱۲۴.
- نورسیده، علی اکبر و میراحمدی، سیدرضا و ترابی، ابوالفضل (۱۴۰۱هـ.ش)، «معناشناسی واژه زعم در قرآن با تکیه بر نظریه ایزوتسو»، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، بهار ۱۴۰۱، ۲۹۹-۳۲۲.
- نورسیده، علی اکبر و میراحمدی، سیدرضا و ترابی، ابوالفضل (۱۴۰۱هـ.ش)، «خوانش معناشناسانه واژه ریب در قرآن بر اساس نظریه ایزوتسو»، مطالعات زبان و ادبیات عربی، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۲۹-۵۴.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰هـ.ق)، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعه الثالثه.
- الهنائی، علی بن الحسن (۱۹۸۶م)، «المنجد الأبجدی»، بیروت: دارالمشرق، الطبعه الخامسه.

Bibliography

- The Holy Quran, (1395 SH), Tr by Makarem shirazi, Naser, Qom: Institute of works of Ayatollah Makarem Shirazi
- IbnFāres, Ahmad (1404 AH), Mu'jam Maqāyīs al-Lughah, Qom: Islamic Figures Library.
- Azhari, MohammadIbnAhmad (1421 AH), TahziAlloqah, Beyrut: Dar Ihya AlTurath AlArabi.
- Izutsu, Toshihiko (1394 SH), Ethico-Religious Concepts in the Qur'an, Tr.By Badrei, Fereydon, Tehran: Farzan.
- _____ (1396 SH), God and Man in the Koran, Tr By Aram, Ahmad, Tehran: Enteshar.
- PahlewanNejhad, MohammadReza And Sezawar, AliReza (1387 SH), Quran Semantic a case study of Surah Juma, Qabsat Quarterly. Winter 1387, 130-107.
- Altahanawi, MohammadAli (1996), Kashaf Estelat AlfonunWAlolum, Beyrut: Maktabat LebnanNasherun.
- Jowhari, IsmaeilIbnHamad, (1376 AH), AlSahah, Beyrut: DarAlilmLelmalayin.
- HajiAmiri, ShahrBanu (1386 SH), Audience analysis of verses from Surah Yunus, Baynat magazine, autumn 1386 SH, 33-51
- Rokkaci, Mohammad (1396 SH), Degrees of knowledge in the Qur'an with the method of cognitive semantics, Sobhani, MohammadTaghi And Nosrati, Shaban, PhD Thesis, Department of Imamiyya Theology, Quran and Hadith University
- Rokkaci, Mohammad And Nosrati, Shaban, (1397 SH), Semantic fields in Quranic application, Qom: Dar al-Hadith publishing organization.
- SalmanNejad, Morteza And EsmaciliZadeh, Abbas (1396 SH), Rereading the concept of doubt in the Holy Quran, Research paper on Qur'an interpretation and language, spring and summer 1396 SH, 35-60.
- Shaker, MohammadKazem (1384 SH), A new look at the semantics of doubt and certainty in the Qur'an, Religious research, winter 1384 SH, 267-284.
- Safawi, Kurosh (1377 SH), An introduction to semantics, Tehran, SurehMehr.
- Sini, MahmudIsmaeil (1414 AH), AlMaknazAlArabi Almoaser, Beyrut: MaktabatLebnanNasherun.
- Askari, Abu Hilāl (1400 AH), Furūq al-luqawīyah, Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadidah.
- AtaAllah, Mohsen And Musavi, SeyyaedRasoul, (1394 SH), The concept of rib in the Qur'an and the narrations of the Ahl al-Bayt, Tafsir AhlBeyt, Spring and summer 1394, 105-122
- Farahidi, KhalilIbnAhmad (1409 AH), Kitab AlEyn, Qom: Nashr Hijrat.
- QarashiBonabi, AliAkbar (1371 SH), Qamus Quran, Tehran: Dar alKutub al-Islamiyah.
- Karbasi, MohammadJafar (1422 AH), IrabAlquran, Beyrut: Dar w Maktabat AlHilal.
- MokhtarUmar, Ahmad (1429 AH), MojamAlloghahAlarabiyyahAlMoaserah, Qahere: AlamAlkotob.
- Mostafawi, Hassan (1430 AH), AlTahghighFiKalamatAlquranALkarim, Beyrut: DarAlkotobAlelmiyah
- Makarem Shirazi, Naser et al (1371 SH), Tafsīr Nemooneh, Tehran: Dar alKutub al-Islamiyah.
- Alhanaei, AliIbnAlhassan, (1986), AlmonjedAlabjadi, Beyrut: DarAlmashreq